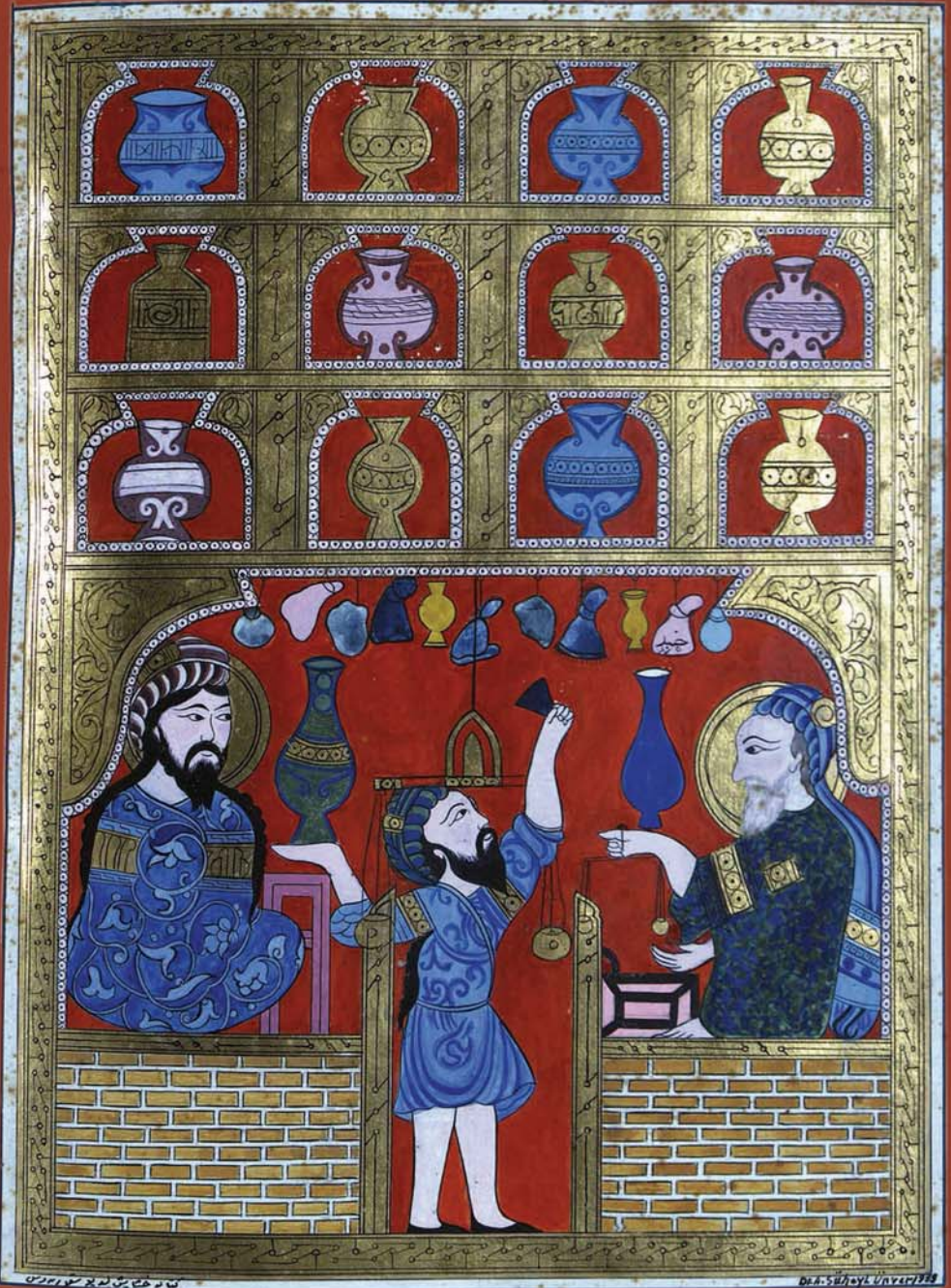


## فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال سوم، شماره یکم و دوم، بهار - تابستان ۱۳۹۷ | انتشار بهار ۱۳۹۹

سرسختن؛ میراث مکتوب و نقش آن • درباره برخی تعبیرات در دیوان ناصر خسرو / احمد مهدی نهنش • کتاب‌المصادر ابوغلی تیرانی / علی‌اکبر صادقی • فرمان جهان‌شاه قراقوبولو در منع عزاداری محرم (بمناسبت ۱۳۸۶ق) / صدائین شیخ‌المکملی • نمونه کاربرد چاپ سنگی در فرمان‌نویسی / تاب شیرازی • مکر الهی / صدائین کویا • تسخانی تازیانیت از ارشاد قلاسی در لندن / ماری پوناشی • دست‌نویس کهن قابوس‌نامه و چاپ حرفی آن / سوسداسی • «بسکو» یا «بسکو»؟ جای نامی در تاریخ سیستان / جواد معتمدی حکم • سیمسار پرتاب‌پدیه / مریم بیروسی / رباعی خیم در ریاض هندوشاه نخبجویی / سید علی برافلسی • کهن‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده از نستعلیق تبریزی تا سال ۸۰۰ق و ارتباط آن با دستگاه آل چالویر در تبریز و بغداد / علی صفوی آق‌نهنه • معنوی و ارزشی مقلداتی هفت نسخه‌شاهنامه، مقدم بر نیمه دوم سده هشتم / علی شایبوان • درباره دشوارترین بیت شاهنامه / امیر رفغان • بخش‌هایی از انیس‌الوحده در جنگی متعلق به اوایل سده نهم / علی رحیمی واریانی • اشعار نویافته عبید زاکانی در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف / حسن شریفی ضعی • درباره تصحیح جامع‌اللغات نیازی / امین خدیووست • ادبیات فارسی بیرون از ایران (سیف‌الله هند، آقاخان آسیای میانه، و در فارسی بیودی) / صدائین کویا • القانون فی الطب (کتاب‌الاول فی الامور الکتابیه من علم الطب) / سید نصرالله زاده / نگاهی به تصحیح خلاصه‌الاشعار و زبدة الافکار (بخش تبریز و آذربایجان و نواحی آن) / مرضی موسوی • مدخل حسانه ملی ایران / فاطمه حتمیان • ریشه‌شناسی چه می‌کند؟ (۴) / سید احمدرضا قلم‌نمائی • آثار راشد محمد افندی / ملاحظاتی در باب نقد کتاب ازل القانون فی الطب / بهشتل حسینی • پاسخی به نقد دیوان منوچهری / سید شیری



فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی  
 دوره سوم، سال سوم، شماره یکم و دوم  
 بهار - تابستان ۱۳۹۷ [انتشار: بهار ۱۳۹۹]

صاحب امتیاز:

مرکز پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ دیجیتال: میراث

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir  
 gozaresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۲۵۰،۰۰۰ ریال

روی جلد: نگاره آغاز کتاب الحشایش دیوسقوریدس در مجموعه پزشکی ۳۷۰۳، کتابخانه ایاصوفیا، مورخ ۶۲۱ق، به نسخ خوش عبدالله بن الفضل سبط الاعز. در این نگاره یک دکان دارو فروشی دیده می‌شود. بر روی یکی از اشیاء آویخته از بالای دکان، نام «جنید» نوشته شده که به ظاهر نام نگارگر این نسخه است.

تصویر خط بسمله

از نسخه کتابخانه John Rylands

## فهرست

سرخن

میراث مکتوب و نقش آن..... ۲-۵

جستار

در باره برخی تعبیرات در دیوان ناصر خسرو / احمد مهدوی دامغانی..... ۶-۷

کتاب‌المصادر ابوعلی تیزانی / علی‌اشرف صادقی..... ۸

فرمان جهان‌شاه قراقویونلو در منع عزاداری محرم (به تاریخ ۸۶۵ق) / عمادالدین شیخ‌الحکامی..... ۹-۱۲

نمونه کاربرد چاپ سنگی در فرمان‌نویسی / نایب شیرازی..... ۱۳-۱۵

مکر الهی / مجدالدین کیوانی..... ۱۶-۲۷

نسخه‌ای تازه یافت از ارشاد قلانسی در لندن / عارف نوشاهی..... ۲۸-۳۱

دست‌نویس کهن قابوس‌نامه و چاپ حروفی آن / مسعود قاسمی..... ۳۲-۴۶

«بسکو» یا «بسکر»؟ جای‌نامی در تاریخ سیستان / جواد محمّدی خمک..... ۴۷-۴۹

سپه‌سار برن‌تابد پیه / مریم میرشمسی..... ۵۰-۵۲

رباعی خیتام در بیاض هندوشاه نخجوانی / سیدعلی میرافضلی..... ۵۳-۵۴

کهن‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده از نستعلیق تبریزی تا سال ۸۰۰ق و ارتباط آن بادستگاه آل‌جلایر در

تبریز و بغداد / علی صفری آق‌قلعه..... ۵۵-۸۵

معرفی و ارزیابی مقدّماتی هفت نسخه شاهنامه مقدّم بر نیمه دوم سده هشتم / علی شاپوران..... ۸۶-۱۰۰

در باره دشوارترین بیت شاهنامه / امیر ارغوان..... ۱۰۱-۱۱۲

بخش‌هایی از انیس‌الوحده در جنگی متعلّق به اوایل سده نهم / علی رحیمی واریانی..... ۱۱۳-۱۱۵

اشعار نویافته عبید زاکانی در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف / محسن شریفی صحنی..... ۱۱۶-۱۲۰

نقد و بررسی

در باره تصحیح جامع اللغات نیازی / امین حق پرست..... ۱۲۱-۱۲۵

ادبیات فارسی بیرون از ایران (شبه‌فازة هند، آناتولی، آسیای میانه، و در فارسی یهودی) / مجدالدین کیوانی..... ۱۲۶-۱۳۷

القانون فی الطب (الكتاب الأول، فی الأمور الكلية من علم الطب) / سعید فتحعلی‌زاده..... ۱۳۸-۱۵۴

نگاهی به تصحیح خلاصه‌الاشعار و زبدة الافکار (بخش تبریز و آذربایجان و نواحی آن) / مرتضی موسوی..... ۱۵۵-۱۶۳

مدخل حماسه ملی ایران / فاطمه حمصیان..... ۱۶۴-۱۶۷

پژوهش‌های دبستان

ریشه‌شناس چه می‌کند؟ (۴) / سیداحمدرضا قائم‌مقامی..... ۱۶۸-۱۷۴

ایران «متون و منابع عثمانی»

آثار راشد محمّد افندی / نصرالله صالحی..... ۱۷۵-۱۷۷

دوره نوسازی پیشین

ملاحظات در باب نقد کتاب اول القانون فی الطب / نجفقلی حبیبی..... ۱۷۸-۱۹۰

پاسخی به نقد دیوان منوچهری / سعید شیری..... ۱۹۱-۱۹۹

قمری درج شده است. این کاشی حاوی پنج بیت است که چهار بیت اول مربوط به سرآغاز داستان رستم و اسفندیار و بیت آخر از داستان هفت خوان اسفندیار است. متن نوشته‌های کاشی، که مطابق رسم الخط متداول در زمان ساخت آن به طور دقیق نقطه‌گذاری نشده، به شرح زیر است (اختلاف ضبط ابیات در کاشی یادشده با شاهنامه هشت‌جلدی تصحیح خالقی مطلق پس از ابیات یادشده است):

کنون خورد باید می خوشگوار  
کی می بوی مشک آید از جویدار

هوا پر خروش و زمین پرز جوش  
شده سبزه و دشت لاله‌فروش<sup>۱</sup>

همه بوستان زیر برگ گلست  
همه کوه پر لاله و سنبلست

به پالیز بلبل بنالد همی  
گل از ناله او ببالد همی

ز لاله فریب و ز نرگس عتاب<sup>۲</sup>  
ز سنبل نهاب<sup>۳</sup> و ز گل نار زیب

کتب فی شهر سنه خمس و ستین و ستمائه هـ

۱. خ: خنک آنک دل شاد دارد به نوش.

۲. خ: نهیب.

۳. خ: عتیب.

تاریخ ۶۶۵ق بر روی این کاشی بیانگر آن است که متن کتیبه آن، قدیم‌ترین متن تاریخ‌دار موجود از داستان اسفندیار است. این کاشی از کهن‌ترین نسخه تاریخ‌دار شاهنامه، که این داستان را در خود دارد، یعنی نسخه کتابخانه لندن که در سال ۶۷۵ق کتابت شده، ده سال قدیم‌تر است.

از مثال‌های دیگر، دو نمونه کاشی است که در قرن هشتم هجری در کاشان ساخته شده است و ابیاتی از دیباجه داستان سهراب بر آنها نقش بسته است.

کاشی اول که در موزه ملی ایران در معرض دید است (تصویر ۲)، کاشی زرین‌فام ستاره‌ای شکل هشت‌پری با زمینه سفید است که در مرکز آن نقش درخت سروی لاجوردی‌رنگ با تزئین زرین‌فام دیده می‌شود که دو هلال فیروزه‌ای‌رنگ با دایره‌هایی طلایی در هر یک، درخت را احاطه کرده‌اند. فضای

## درباره دشوارترین بیت شاهنامه

امیر ارغوان

پژوهشگر شاهنامه  
arghavan@gmx.it

جلال خالقی مطلق در مقاله «اهمیت و خطر مآخذ جنبی در تصحیح شاهنامه» نوشته است:

در تصحیح اثری به اهمیت شاهنامه که از بخت بد از میان هزار و اندی دست‌نویس‌های آن، حتی یک دست‌نویس نیست که از اعتباری ویژه برخوردار باشد، مصحح ناچار است که در کار خود غیر از دست‌نویس‌های کتاب از هر مآخذ دیگری نیز که کمکی به تصحیح این کتاب عظیم‌الشان بنماید بهره گیرد. (خالقی مطلق، ۱۳۷۴: ۷۲۸)

او یکی از این مآخذ جنبی را بیت‌هایی از شاهنامه می‌داند که در آثار دیگر، در آرایش مطالب، آمده است. به خصوص ابیاتی از این دست که در آثار تألیف‌شده تا سده هشتم آمده‌باشد، یعنی مآخذ نقل آنها به دست‌نویس‌های مکتوب تا سده هفتم از شاهنامه برگردد (همان: ۷۳۸).

از جمله آثاری که بیت‌هایی از شاهنامه در آنها به چشم می‌خورد، ظروف و کاشی‌های تزئینی به‌جای مانده از سده‌های ششم تا نهم هجری است، که با توجه به تعدد آنها در موزه‌های مختلف جهان، می‌تواند به‌عنوان یک مآخذ جنبی قابل تأمل، در تصحیح شاهنامه مورد استفاده قرار گیرد.

نمونه‌ای از این نوع آثار یک کاشی هشت‌پری از مجموعه کاشی‌های متعلق به امامزاده جعفر دامغان است که در موزه لوور پاریس به شماره OA6319 نگهداری می‌شود (تصویر ۱)، که بر حاشیه آن، در کنار ابیاتی از شاهنامه، سال ساخت ۶۶۵



تصویر ۱. کاشی شماره OA 6319 موزه لور، پاریس.

باقی مانده دارای تزیینات اسلیمی دهان‌اژدری و نقاط پرکننده با لعاب زرین‌فام است و کلیه نقوش در دایره‌ای لاجوردی محصورند (برگرفته از شناسنامه کاشی موجود در موزه ملی). در لبه کاشی، بر زمینه سفید، شش بیت از فردوسی به خط نسخ با قلم زرین نوشته شده است:

اگر تندبادی برآید ز کنج  
به خاک افگند نارسید [ه ترانج  
ستمکاره خوانیمش ار دادگر  
هنرمند گویمش ار بی‌هنر

اگر مرگ دادست بی‌داد چیست  
ز داد این همه بانگ و فریاد چیست  
نخستس دل از مرگ ستاندن  
دلیر و جوان خاک نساودن  
همه تا در آز رفته فراز  
به کس بر نشد این در راز باز  
به رفتن مگر بهتر آیدش<sup>۱</sup> جای  
چو آرام گیرد<sup>۲</sup> به دیگر سرای  
۱.خ: آیدت. ۲.خ: گیری.



تصویر ۲. کاشی شماره ۳۳۸۱، به نمایش درآمده در طبقه دوم بخش اسلامی موزه ملی ایران.

کاشی دوم در موزه بریتانیا به شماره ۱۹۴۷،۱۱۱۰،۴ نگهداری می‌شود (تصویر ۳) که در معرض نمایش نیست، ولی طبق اطلاعات موجود در سایت اینترنتی این موزه، ساخته شده در اوایل قرن هشتم هجری در کاشان است.

البته این اثر در اصل از دو نیم‌کاشی کاملاً متفاوت که به هم چسبانده شده تشکیل شده است و فقط نیمی از آن ابیاتی از

ملی میسر شد. نوشته‌ای که در کنار این کاشی‌ها بر دیوار موزه نصب شده مربوط به قاب‌بندی کاشی‌ها به شماره موزه ۳۲۸۵ متعلق به امامزاده علی بن جعفر قم است، که احادیثی از پیامبر روی آنها دیده می‌شود و در سال ۷۳۸ قمری ساخته شده‌اند (فوجانی، ۱۳۷۱: ۶) و ارتباطی به اثر مورد بحث ما ندارد.

این اثر به همراه سه کاشی دیگر در یک قاب، در بخش اسلامی موزه ملی به شماره ۳۳۸۱ نگهداری می‌شود و توسط موزه متعلق به قرن هفتم یا هشتم دانسته شده است. البته هیچ‌گونه اطلاعاتی در کنار کاشی‌ها وجود ندارد و حتی در کتاب تجلی شاهنامه در هنر اسلامی ایران نیز به این کاشی‌ها اشاره‌ای نشده است. این کتاب به منظور معرفی آثار و اشیای موزه ملی ایران، که دارای مضامین برگرفته از شاهنامه هستند، در سال ۱۳۸۱ توسط این موزه چاپ شده است.<sup>۱</sup>

۱. دسترسی به شناسنامه کاشی‌ها با لطف فراوان آقایان میرزایی و شهیری از موزه



تصویر ۳. کاشی شماره 4، 1110، 1947 موزه بریتانیا

آنگونه که پیداست تنها صورت کامل بیت در این کاشی باقی مانده و آن بیت، همان است که در این مقاله قصد داریم درباره آن سخن بگوییم.

\*\*\*

ابوالفضل خطیبی این بیت مبهم را، که در پایان پیش درآمد داستان رستم و سهراب آمده، دشوارترین بیت شاهنامه دانسته است (نک. خطیبی، ۱۳۹۵). با وجود اینکه بیت مورد نظر در اکثر قریب به اتفاق دستنویس‌ها وجود دارد، در شاهنامه‌های

شاهنامه مربوط به آغاز داستان رستم و سهراب را داراست که به شرح زیر است:

اگر تندبادی برآید ز کنج  
به خاک افکند کاشی شکسته است

بخستن دل از مرک بستاندی  
دلرو جوان خاک نساودئی

همه تا در آز رفته فراز  
به کس بر نشد نانوشته مانده است

چیزی شبیه به تشدید عربی گذاشته شده و «پ» را با یک نقطه نوشته است. لذا چنین نگارشی سبب شده که برخی تصور کنند که این بیت بیهوده و بی معنی است، لیکن هنگامی که من آن را بدین گونه که در متن ما حروفچینی شده برای شادروان دکتر احمد تفضلی خواندم، گفتم: دقیقاً همین طور است که می خوانید. اما معنی بیت: اگر نخستین تن از آدمیان، مرگ را در زیر پا لگدمال می کرد، و آن را نابود می ساخت، پس از آن، مردان دلیر و جوان، گور را لمس نمی کردند و همواره زنده می ماندند. (فردوسی، ۱۳۸۰: ۳/۳۰۳-۳۰۴)

مهری بهفر در دفتر پنجم تصحیح خود، بیت را بدین صورت آورده و معنی کرده است:

به چستی تن از مرگ بستاندی  
دلیر و جوان خاک نپسایدی

اگر می شد تن را با چالاکي و چابکی از مرگ دور داشت، دلیر و جوان با خاک هماغوش نمی شد و نمی مرد. (فردوسی، ۱۳۹۶: ۱۳/۵-۱۴)

هر دوی این تصحیح‌ها و معانی، همانطور که خطیبی نوشته است، با اندیشه‌های فردوسی همخوانی ندارد؛ زیرا فردوسی در جای جای شاهنامه مرگ را گریزناپذیر می داند، چندان که آدمی هیچ کاری در برابر آن نمی تواند انجام دهد (خطیبی، ۱۳۹۵: ۵۴۰).

در وبگاه «حاصل اوقات: پراکنده‌های ایران‌شناسی» دو پیشنهاد در مورد این بیت مطرح شده است (مورخ شهریور ۱۳۹۲). اولی توسط پژمان فیروزبخش، به صورت:

نخستین دل از مرگ نپساودی  
دلیر و جوان خاک نپساودی

که در همانجا به علت مشکل قافیه توسط وحید عیدگاه مردود دانسته شده است. پیشنهاد دوم توسط سعید لیان به صورت زیر مطرح شده است:

نخستی دل از مرگ نستاودی  
دلیر و جوان خاک نپساودی

که پژمان فیروزبخش به علت کاربرد بسیار نادر «ستاویدن» به جای «شتابیدن» در سراسر متون فارسی، این تصحیح را پذیرفتنی ندانسته است.

همچنین سیاوش جعفری در مقاله «سفینه تبریز و چند

خالقی مطلق (فردوسی، ۱۳۸۶: ۲/۱۱۸) و مسکو (فردوسی، ۱۹۶۰-۱۹۷۱: ۲/۱۶۹) به متن راه نیافته است. با این حال خالقی مطلق این بیت را اصلی دانسته، ولی نوشته است:

دستبرد در آن تا آنجاست که پیرایش آن، دست کم به گونه ای که بتوان آن را در متن پذیرفت، ممکن نشد. (فردوسی، ۱۳۹۳: ۱۲۶)

میرجلال‌الدین کزازی در نامه باستان (کزازی، ۱۳۹۰: ۲/۱۱۳) بیت را به شکل زیر، با درج علامت پرسش، گمان زده است:

نخستین تن از مرگ نپسایدی  
دلیر و جوان خاک نپسایدی (?)

و درباره آن نوشته است

بیتی است که در برنوشته‌ها تاریک و آشفته و بی‌هنجار آورده شده است. ریختی که گمان زده شده است، ریختی است که به هر روی، معنایی از آن به دست می توان آورد. معنای بیت چنین می تواند بود: اگر در آغاز کار، آن زمان که مرگ به سراغ آدمی می آید، او جوان و زیبا باشد و به تن خویش بتواند مرگ را افسون کند و آن را از خویش براند، هرگز دلیر و جوان خاک را نخواهد پسود و زندگانی را بدرود نخواهد گفت؛ اما، آن چنان که استاد در بیت‌های پیشین باز نموده است، دریغ که مرگ پیر و جوان نمی شناسد و هرگز افسوده و فریفته زیبایی و شادابی برنایان نمی تواند شد. (همان: ۲/۵۵۴-۵۵۵)

خطیبی درباره این معنی نوشته است:

افسون کردن مرگ و مقابله کردن با آن و تن در ندادن بدان، در حوزه تفکرات فردوسی جایی ندارد و حتی با بیت‌های پیش در آمد داستان رستم و سهراب که از «داد» بودن مرگ و چون و چرا نکردن درباره مرگ سخن رفته است، همخوانی ندارد. گذشته از این، نگارنده متوجه نشده است که دلیر جوان و زیبا چگونه می تواند به تن خویش مرگ را افسون کند؟ (خطیبی، ۱۳۹۵: ۵۴۱)

عزیزالله جوینی بیت را به شکل زیر تصحیح کرده است:

نخستین تن از مرگ پی سایدی  
دلیر و جوان خاک نپسایدی

و در پاورقی آورده است:

در این بیت دو کلمه «پی سایدی» و «نپسایدی» بدین گونه نوشته شده «بیسایدی» و «نپسایدی» که فقط در کلمه نخست، حرف دوم که «یا» است یک نقطه کم دارد و روی «س» هم

پیشنهاد تازه در ویرایش شاهنامه» بهترین تصحیح‌ها را پیشنهاد کرده‌است:

نخستی (یا: بسختی) دل ار مرگ نستاودی

دلیر و جوان خاک نپساودی

ما در اینجا دو نمونه کاشی از سده هشتم دیدیم که این بیت را دارند، پس این کاشی‌ها قدمت و اصالت کافی برای اینکه به عنوان مأخذ موثق جنبی در تصحیح متن مورد استفاده قرار گیرند، دارا هستند. همچنین وجود این بیت بر روی این کاشی‌های کهن، خود دلیلی بر اصیل بودن بیت می‌تواند بود (البته شباهت دستخط دو کاشی موزه ملی و موزه لندن به حدی است که شاید بتوان احتمال داد که توسط فردی واحد در کارگاهی در کاشان نوشته شده باشند).

در اینجا برای بررسی بیت، نویسنش آن از ۲۶ نسخه کهن معتبر، به علاوه متن دو کاشی یادشده، در کنار هم آورده می‌شود تا مقایسه اصل دستنویس‌ها با هم، راهی برای ارائه تصحیحی قابل قبول از بیت بر ما بگشاید.<sup>۱</sup>

کاشی موزه ملی، سده ۷ یا ۸ (کا<sup>۱</sup>)



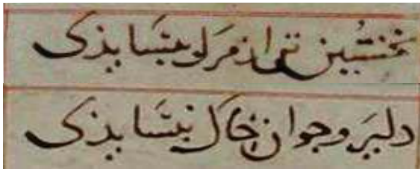
بخستس دل از مرگ نستاودی  
دلیر و جوان خاک نپساودی

کاشی موزه لندن، اوایل سده ۸ (کا<sup>۲</sup>)



بخستس دل از مرگ نستاودی  
دلیر و جوان خاک نپساودی

۱. ضبط نسخی که تصویر آنها در دسترس نبود از وبگاه «حاصل اوقات» و مقاله ابوالفضل خطیبی اخذ شده‌است.



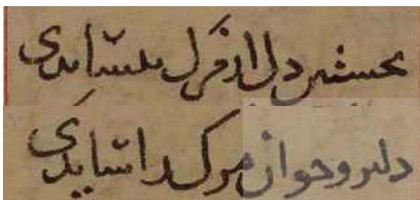
نخستین تس از مرگ نپسایدی  
دلیر و جوان خاک نپسایدی

فلورانس  
۶۱۴ق (ف)



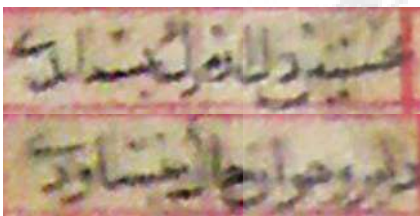
نخستی دل از مرگ نستاودی  
دلیر و جوان خاک نپساودی

سن ژوزف  
سده ۷ یا ۸ (ژ)



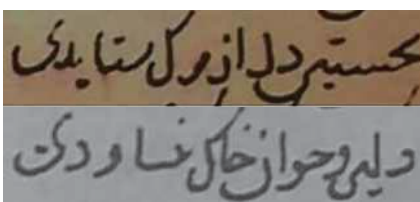
بخستس دل از مرگ نستاودی  
دلیر و جوان مرگ نستاودی

کوچک اول  
سده ۸ (ش)



نخستین دل از مرگ نستاودی  
دلیر و جوان خاک نپساودی

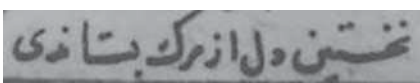
کوچک دوم  
سده ۸ (ش<sup>۲</sup>)



بخستس دل از مرگ نستاودی  
دلیر و جوان خاک نپساودی

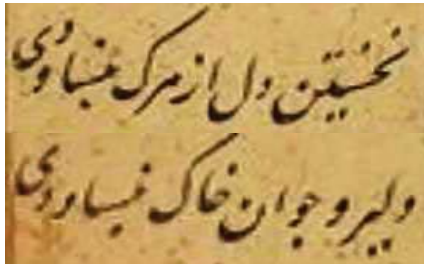
سفینه تبریز  
۷۲۱ق (ست)

حاشیه ظفرنامه  
۸۰۷ق (ظ)





نخستین دل از مرگ بستایدی  
دلیر و جوان مرگ را شاییدی

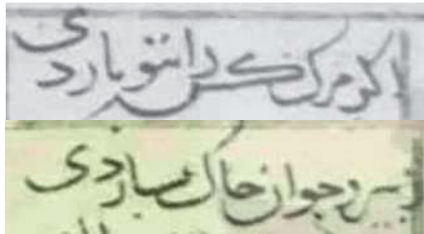


پاریس ۴  
ق ۹۷۴  
(Pers. 2113, پ<sup>۲</sup>)

نخستین دل از مرگ نپسایدی  
دلیر و جوان خاک نپسایدی

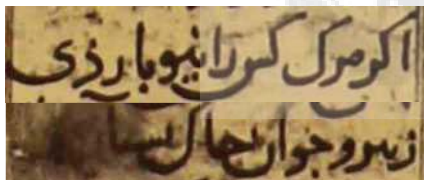
اختیارات شاهنامه

اگر خود دل از مرگ نستایدی  
دلیر و جوان خاک نپسایدی



استانبول  
ق ۷۳۱ (س)

اگر مرگ کس را نپسازدی  
ز بیرون جوان خاک نپسازدی



لنین‌گراد  
ق ۷۳۳ (لن)

اگر مرگ کس را نیوسازدی  
ز بر و جوان خاک سسار... «ناخوانا»



قوام‌الدین حسن  
وزیر، ق ۷۴۱

اگر مرگ کس را نیوسازدی  
ز بر و جوان خاک نپسازدی

نخستین دل از مرگ بستاندی  
<جای مصراع دوم خالی است>

نخستین دل از مرگ بستایدی  
دلیر و جوان خاک را شاییدی

لندن ۳  
ق ۸۴۱ (ل<sup>۲</sup>)

نخستین دل از مرگ بستایدی  
دلیر و جوان خاک را شاییدی

پختی دل از مرگ نستایدی  
دلیر و جوان مرگ نپسایدی

واتیکان  
ق ۸۴۸ (و)

پختی دل از مرگ بستایدی  
دلیر و جوان مرگ نپسایدی

نخستین دل از مرگ بستایدی  
دلیر و جوان خاک را شاییدی

پاریس ۲  
ق ۸۴۸ (پ<sup>۲</sup>)

نخستین دل از مرگ بستایدی  
دلیر و جوان خاک را شاییدی

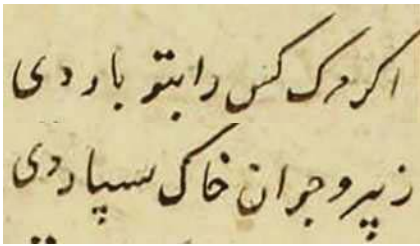
نخستین دل از مرگ بستایدی  
دلیر و جوان خاک بستایدی

لندن ۳  
ق ۸۹۱ (ل<sup>۲</sup>)

نخستین دل از مرگ بستاندی  
دلیر و جوان خاک بستاندی

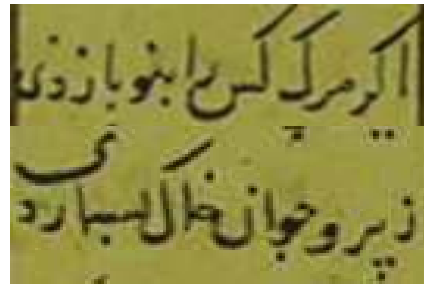
نخستین دل از مرگ بستایدی  
دلیر و جوان مرگ را شاییدی

پاریس ۳  
ق ۸۹۵  
(Persan 228, پ<sup>۲</sup>)



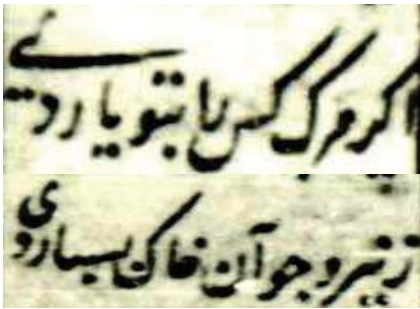
پاریس  
۸۴۴ق (پ)

اکرمک کس را بتو باردی  
ز پیر و جوان خاک سپاردی



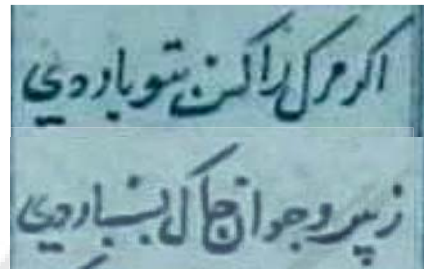
استانبول ۳  
۷۷۲ق (H.1511، س<sup>۲</sup>)

اکرمک کس را بنوبازدی  
ز پیر و جوان خاک بسپاردی



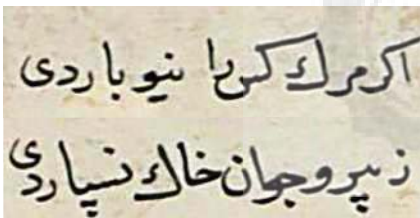
لنین‌گراد ۲  
۸۴۹ق (لن<sup>۲</sup>)

اکرمک کس را بتویاردی  
ز پیر و جوان خاک بسپاردی



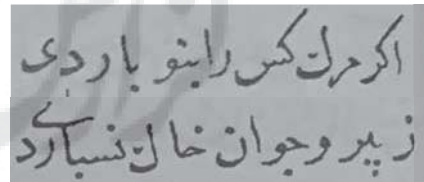
قاهره ۲  
۷۹۶ق (ق<sup>۲</sup>)

اکرمک را کس تو باردی  
ز پیر و جوان خاک بسپاردی



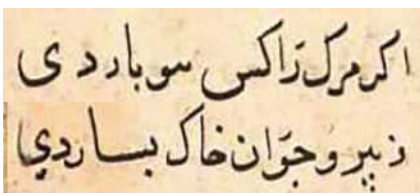
برلین  
۸۹۴ق (ب)

اکرمک کس را نیوباردی  
ز پیر و جوان خاک نسپاردی



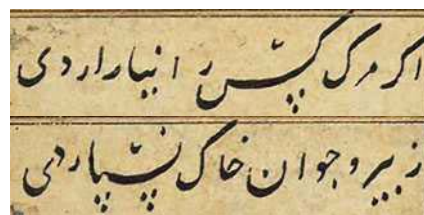
سعدلو  
سده هشتم

اکرمک کس را بنوباردی  
ز پیر و جوان خاک نسپاردی



مونینخ  
۹۰۲ق (cod.pers 8)

اکرمک را کس سو باردی  
ز پیر و جوان خاک بسپاردی



ابراهیم سلطان<sup>۲</sup>  
حدود ۸۳۵ق

اکرمک کس را نیوباردی  
ز پیر و جوان خاک نسپاردی

با بررسی این دستنویس‌ها مشخص می‌شود که به‌طور کلی،  
ضبط این بیت در نسخه‌ها دارای دو گونه متفاوت است. گونه

۱. درباره جعلی بودن تاریخ ۹۰۳ برای این دستنویس و تاریخ صحیح آن نک.  
Çağman - Soucek, 1995: 179-208.

۲. محفوظ در کتابخانه بادلیان انگلستان به شماره 176 Ouseley Add.

که اینطور معنی می‌دهد: اگر مرگ کسی را نمی‌بلعید و افراد نمی‌مردند، زمین چنان از آدمیان پیر و جوان لبریز می‌شد که خاک زمین را لگدمال و نابود می‌کردند. این معنی از اعتقادات کهن بوده‌است، به طوری که همین مضمون در گرشاسپ‌نامه به صورت زیر آمده‌است:

اگر مرگ بر ما نکردی کمین  
ز بس جانور تنگ بودی زمین

(نک. فردوسی، ۱۳۹۳: ۱۲۶)

به کار بردن فعل کهن «اوباریدن» از یک سو و این حقیقت که حتی در قدیم‌ترین نسخه مصور تاریخ‌دار شاهنامه، یعنی نسخه استانبول که در سال ۷۳۱ق در شیراز کتابت شده، این نویسی وجود دارد از سوی دیگر، و نیز تعدد نسخی که ضبط گونه دوم را دارند نشانگر این است که این دستبرد در زمانی پیش از سال ۷۳۱ق در شیراز رخ داده و در گذر زمان به نسخ زیادی سرایت کرده‌است. ولی با وجود اینکه معنی بیت ساخته شده روشن و مضمون بیت شناخته شده بوده (به طوری که اسدی طوسی هم از آن استفاده کرده‌است) بعید است که کاتبی آن را به گونه اول، که گنگ و نامفهوم است، برگردانده باشد، بلکه عکس آن محتمل تر است. همچنین باید دانست که مشتقات «اوباریدن» جزو واژگان به‌کاررفته توسط فردوسی نیست و احتمال اینکه تنها یک بار در شاهنامه، و آن هم در این بیت مشکوک، استفاده شده باشد، بسیار اندک است. اشکال دیگری که گونه دوم دارد، این است که در شاهنامه نه «سپاردن»، بلکه «سپردن» در معنی لگدمال کردن و نابود کردن به کار رفته‌است (خطیبی، ۱۳۹۵: ۵۴۳).

علت دیگری که برای شکل‌گیری گونه دوم می‌توان تصور کرد از این قرار است:

می‌دانیم نویسی‌های کهنی که برای کاتبان ناشناخته بوده، پس از دستبردهای نخستین، زمانی به‌گونه‌ای تباه یا سست سرگردانند تا سپس رفته‌رفته تعمیر می‌گردند که به‌ظاهر بهتر و شسته‌رفته‌تر باشند، ولی در حقیقت از نویسی اصلی دورترند. (خالقی مطلق، ۱۳۸۹: ۲/ ۱۳۰)

ممکن است صورت «اگر خود دل از مرگ نستابدی» که در اختیارات شاهنامه آمده‌است، گونه تباه و سستی بوده باشد که زمانی به‌جای صورت اصیل اولیه رواج پیدا کرده و سرگردان

اول، آنها که در ابتدای مصراع دوم «دلیر و جوان» دارند و گونه دوم دستنویس‌هایی که به‌جای عبارت یادشده در مصراع دوم «ز پیر و جوان» دارند.

بادقت بیشتر در نسخی که گونه دوم را دارند، روشن می‌شود که محل کتابت آنها به شهر شیراز برمی‌گردد، مانند نسخی که در دوران حکمرانی آل اینجو (س، لن، قوام‌الدین حسن وزیر) و آل مظفر (ق<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>، س<sup>۳</sup>) یا ابراهیم سلطان تیموری کتابت شده‌اند. این گونه دوم، سپس تر به مناطق دیگر هم راه یافته‌است و در نسخه‌های جوان‌تر بیشتر دیده می‌شود، اما در دستنویس‌های کهن‌تر با ریشه غیرشیرازی همه‌جا گونه اول وجود دارد (البته الزاماً در هر نسخه‌ای که در شیراز کتابت شده، گونه دوم نیامده‌است).

گونه دوم، صرف‌نظر از نقطه‌گذاری، در بیشتر نسخ تقریباً شکل ثابتی دارد و معنای روشنی پیدا کرده‌است؛ اما در حقیقت گونه دوم ساخته و پرداخته کاتبان است و ضبط اصلی را باید در گونه اول، که دشوارتر است، جست‌وجو کرد. به‌ویژه که متن دو کاشی معرفی شده، متعلق به قرن هشتم، نیز گونه اول را تأیید می‌کند.

به نظر می‌رسد گونه دوم بیت، بر اثر اشتباه کاتبان و سپس در جهت معنی‌دار کردن گونه اول، ساخته و پرداخته شده باشد، که به شرح آنها می‌پردازیم.

«یکی از لغزش‌های معمول کاتبان این بود که هنگام کتابت، گاهی ناخواسته به‌ویژه در آغاز مصراع‌ها، به‌جای نگارش مصراع واقعی، به خطا آغاز مصراع قبلی یا بعدی را می‌نوشتند» (خطیبی، ۱۳۸۲: ۲۰). در اینجا هم شاید کاتبی در مادر نسخه خود، مانند نسخه واتیکان ۸۴۸ق که تصویرش در پایان مقاله دیده می‌شود (تصویر ۴)، در بالای بیت مورد بحث، بیت «اگر مرگ دادست بیداد چیست» را داشته<sup>۱</sup> و به‌اشتباه در ابتدای بیت زیرین هم «اگر مرگ» بالایی را نوشته و سپس برای جبران اشتباهش، گونه دوم را به‌صورتی شبیه به «اگر مرگ کس را نیوباردی/ ز پیر و جوان خاک بسپاردی» از خود ساخته‌است

۱. دستنویس واتیکان چهارستونی است و از میان سه بیتی که میانه «اگر مرگ دادست...» تا بیت محل بحث فاصله انداخته‌اند، دو بیت را ندارد (نک. فردوسی، ۱۳۸۶: ۲/ ۱۱۷-۱۱۸، حاشیه‌های ۱۰ و ۲)، یعنی این دو بیت در آن دستنویس تنها یک بیت فاصله دارند. از این روی طبیعی است که در آن دستنویس بیت محل بحث زیر «اگر مرگ دادست...» بیفتد.

بوده باشد، به این ترتیب که: کاتب فعل آخر مصراع اول را، به درستی، شرطی دانسته ولی «ار» پیش از کلمه «مرگ» را «از» خوانده و کلمه «اگر» را برای ایجاد شرط، در ابتدای مصراع آورده است و این تغییر، به ابتدای گونه دوم هم راه یافته است. از سوی دیگر، در ابتدای مصراع دوم، صورت بی نقطه کلمه «دلیر»، به قرینه کلمه «جوان» که پس از آن آمده، کاتبان را به ساخت عبارت «ز پیر» هدایت کرده است؛ در حالی که عبارت «دلیر و جوان» چندین بار در شاهنامه آمده و در همین داستان، درباره سهراب، به کار رفته است:<sup>۱</sup>

دلیر و جوان سربه گفتار پیر  
بداد و بسود آن سخن جای گیر

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱۸۳/۲)

صورت اصلی مصراع دوم به احتمال زیاد چنین بوده است: «دلیر و جوان خاک نپسودی / نپسایدی»، که در اینجا پسوند و لمس کردن خاک باید به معنی مردن باشد (وبگاه «حاصل اوقات»). آمدن «مرگ» به جای «خاک» در برخی دستنویس‌ها (ش، و، پ<sup>۲</sup>) نشانگر این است که در دوران گذار، کاتبان هم این معنی را دریافته و خواسته‌اند صراحتاً این نکته را در بیت بگنجانند و حتی فعل مناسبی هم برای آن ساخته‌اند، که همان «شایدی» باشد که در چهار نسخه وجود دارد (ش، پ<sup>۲</sup>، ل<sup>۲</sup>) و به این ترتیب صورت «مرگ را شایدی» ایجاد شده است (ش، پ<sup>۲</sup>). تا اینجا به شکل‌های دوران گذار و احتمالاتی که می‌تواند به شکل‌گیری تدریجی گونه دوم منجر شده باشد پرداختیم. حال به جست‌وجوی شکل اصلی بیت در گونه اول می‌پردازیم. در دستنویس‌های حاوی گونه اول، بدون توجه به نقطه‌گذاری، فعل مصراع دوم در هفت مورد «نپسودی» (کا، کا، ژ، ش<sup>۲</sup>، ست، پ<sup>۴</sup>، اختیارات) و در سه مورد «نپسایدی» (ف، و، ل<sup>۲</sup>) است؛ پس نسخه‌های مورد استفاده ما کمکی در انتخاب یکی از دو صورت نپسودی / نپسایدی نمی‌کنند. همچنین متن شاهنامه نیز در این مورد گره‌گشا نیست، زیرا از سویی شاعر جای دیگر همین داستان «پساید» آورده و آن را با «برگراید» قافیه ساخته (فردوسی، ۱۳۸۶: ۱۷۶/۲) و از سوی دیگر چند جا نیز تقریباً می‌توان اطمینان داشت که «پساود» به کار برده است

۱. این عبارت بار دیگر هم (در دفتر دوم چاپ مسکو، ص ۱۹۹) به صورت «دلیر و جوان و خردمند را» درباره سهراب به کار رفته، که خالقی مطلق آن را به درستی الحاقی دانسته و به زیر خط برده است.

(همان: ۲۰۹/۷؛ ۳۵۸/۸؛ منقول از وبگاه «حاصل اوقات»).

حال به بررسی مصراع اول می‌پردازیم که ابتدای آن در اکثر نسخ گونه اول «نخستین دل» است، ولی دو دستنویس سن‌ژوزف و واتیکان (بدون توجه به نقطه‌ها) چیزی شبیه به «نخستی دل» دارند که ضبط نامأنوس‌تر است و باید در آن به دنبال صورت اصلی گشت (وبگاه «حاصل اوقات»).

فردوسی در ابتدای پادشاهی خسرو پرویز باز هم «نخستی» را به کار برده است (فردوسی، ۱۳۸۶: ۵/۸). اگرچه این کلمه در بیت محل بحث، در نسخه سن‌ژوزف بر اثر آبدیگی، مخدوش شده است، مقایسه صورت نوشتاری آن در دو موضع یکسانی آنها را نشان می‌دهد:



در بیت مورد بحث، وجه شرطی افعال هر دو مصراع نشان می‌دهد که در مصراع نخست ضبط «ار» درست است، نه «از»؛ بنابراین، ابتدای مصراع اول طبق ضبط سن‌ژوزف و تا حدودی واتیکان، باید به این شکل باشد: «نخستی دل، ار مرگ» (سعید لیان، وبگاه «حاصل اوقات»؛ جعفری، ۱۳۹۴: ۳۵) که توسط کاتبان به شکل «نخستین دل از مرگ» تبدیل شده است. در اینجا به بررسی فعل انتهای مصراع اول می‌رسیم که کاتبان آن را به شکل‌های متفاوتی نوشته‌اند، که به نظر می‌رسد فعلی شبیه نستاودی / نستاودی بوده است. ستابیدن / ستاودیدن می‌تواند گونه‌ای از «شتافتن» باشد، ولی تنها شاهد موجود از آن به صورت «بستاود» در ترجمه قرآنی از اواخر سده هشتم دیده شده است (یاحقی، ۱۳۷۲: ۸۵۴/۲) که همین ترجمه در جاهای دیگر «شتاونده‌ترین» و «بشتاوتر» (همان: ۱۴۴/۱) و نیز «شتاو» و «بشتاو» دارد (همان: ۸۵۳/۲) و با توجه به اینکه این ترجمه بسیار بدخط است (همان: ۱/ پنجاه‌ونه، مقدمه)، شاهد یادشده باید حاصل جا افتادن نقطه‌ها باشد و قابل استناد نیست. پس تا زمانی که شاهد معتبری برای کاررفت این مصدر یافت نشود، نمی‌توان به وجود آن در بیت مورد بحث

ف و ل<sup>۲</sup> بدین شکل تصحیح کنیم:

نخستی دل ار مرگ نشتابدی  
دلیر و جوان خاک نپسایدی

با توجه به اعتبار و قدمت نسخهٔ فلورانس که تأیید سه نسخهٔ دیگر را به همراه دارد، و نیز هماهنگ بودن شکل افعال با واژگان به کار رفته توسط فردوسی، که در بالا هم به آنها اشاره شد، به نظر می‌رسد که گزینهٔ سوم مناسب‌ترین شکل بیت باشد.

کلام فردوسی را هر کدام از سه گزینهٔ بالا که بدانیم، معنی بیت مشخص و با اندیشه‌های فردوسی هم‌خوان و نیز تکمیل‌کنندهٔ بیت‌های قبل است: با وجود اینکه مرگ حق است و اجتناب‌ناپذیر، ولی از دست دادن دلیرانی چون سهراب در جوانی، به خاطر شتاب آوردن مرگ، دل هر کسی، حتی رستم را، خسته می‌کند و به درد می‌آورد.



تصویر ۴. دستنویس واتیکان، مورخ ۸۴۸ ق

#### منابع

- بهفر، مه‌ری (۱۳۹۶). شاهنامهٔ فردوسی، تصحیح انتقادی و شرح یکایک ابیات. جلد پنجم. تهران: فرهنگ نشر نو.
- تبریزی، ابوالمجد محمد بن مسعود (۱۳۸۱). سفینهٔ تبریز. چاپ عکسی از روی نسخهٔ خطی کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی با مقدمهٔ عبدالحسین بهاری و نصرالله پورجوادی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- جعفری، سیاوش (۱۳۹۴). «سفینهٔ تبریز و چند پیشنهاد تازه در ویرایش شاهنامه». کهن نامهٔ ادب پارسی، سال ششم، ش ۲ (پیاپی ۱۶): ۳۱-۵۰.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴). «اهمیت و خطر مآخذ جنبی در تصحیح شاهنامه». ایران‌شناسی، سال هفتم، ش ۴ (زمستان): ۷۲۸-۷۵۱.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). یادداشت‌های شاهنامه. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- خطیبی، ابوالفضل (۱۳۸۲). «کاتب خوش ذوق و دردمرغ مصحح،

حکم داد. دیگر اینکه بعید است فردوسی، که در جاهای دیگر، دربارهٔ مرگ، «شتاب آوردن» را به کار برده است (نک. فردوسی، ۱۳۸۶: ۳۱۰/۲؛ ۱۶۰۹؛ همان: ۸۸/۷، ب ۱۳) در اینجا یک واژهٔ نادر و نامأنوس را به کار برده باشد (وبگاه «حاصل اوقات»)<sup>۱</sup>.

در حقیقت این فعل باید نشتابدی/ نشتاودی باشد، ولی در همه جا حرف دوم بی نقطه است. به نظر می‌رسد بخش بزرگی از تصرف‌های کاتبان در این بیت برخاسته از درست نخواندن همین حرف دوم، به علت پایبند نبودن به نقطه‌گذاری دقیق در دستنویس‌های قدیم باشد (جعفری، ۱۳۹۴: ۳۵).

بدون در نظر گرفتن نقطه‌ها، شکل «نشتابدی» را تمام دستنویس‌های گونهٔ اول، غیر از سن ژوزف و پاریس ۴، تأیید می‌کنند که این دو نسخه نیز نویسنده «نشتاودی» (بدون نقطهٔ حرف دوم) را دارند. «نشتابیدن» فعلی کاملاً آشنا بوده و هست، اما «شتاودیدن» صورتی گویشی بوده از «نشتابیدن»، که آن هم در روزگار فردوسی بسیار رایج بوده است (همانجا).

تا اینجا در تصحیح بخش ابتدایی مصراع اول از ضبط سن ژوزف استفاده شد، پس اگر این نسخه را اساس قرار دهیم و نویسنده فعل انتهای مصراع اول را هم از این نسخه و پاریس ۴ اخذ کنیم، آنگاه گزینهٔ اولی که برای تصحیح بیت می‌توان پیشنهاد داد، بدین صورت است:

نخستی دل ار مرگ نشتاودی

دلیر و جوان خاک نپساودی

گزینهٔ دوم هم آن است که مانند کا، کا، ش و ست، بیت به شکل زیر تصحیح گردد:

نخستی دل ار مرگ نشتابدی

دلیر و جوان خاک نپساودی

گزینهٔ سومی که برای تصحیح این بیت می‌توان در پیش نهاد این است که برای گزینش فعل پایان مصراع اول، از اکثریت نسخ پیروی کنیم، فعل را نشتابدی بدانیم و به تبع آن فعل مصراع دوم را نپسایدی بگیریم (وجود فعل شایدی در برخی نسخ هم تا حدودی این نویسنده را تأیید می‌کند) و بیت را مطابق نسخه‌های و،

۱. در فرهنگ‌نامهٔ قرآنی نمونه‌های متعددی از کاربرد وجوه مختلف «شتاودیدن» در ترجمه‌های قرآن از قرن پنجم آورده شده است؛ ولی نکته‌ای که در اینجا پرسش‌برانگیز است این است که نه تنها نویسنده «نشتاودی» در میان نسخ شاهنامه دیده نشده، بلکه فردوسی مشتقات فعل «شتاودیدن» را در جای دیگری نیز به کار نبرده است.

- age=759&v=100&nav=&l=ru  
Ouseley Add. 176 شماره ۱۷۶. شاهنامه. دستنویس شماره ۱۷۶. کتابت حدود ۸۳۵ق:
- <https://digital.bodleian.ox.ac.uk/inquire/Discover/Search/#/?p=c+o,t+,rsrs+o,rsps+10,fa+,so+ox-%3Asort%5Easc,scids+,pid+bcbfd832-086b-4874-8of8-87500eode704,vi+75697df2-75e1-43ce-be65-adb734ba64b8>
- 228 Persan شماره ۲۲۸. شاهنامه. دستنویس شماره ۲۲۸. کتابت ۸۹۵ق:
- <https://gallica.bnf.fr/ark:/12148/btv1b8406159w/f173.item>
- قوچانی، عبدالله (۱۳۷۱). اشعار فارسی کاشی‌های تخت سلیمان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کزازی، میر جلال‌الدین (۱۳۹۰). نامه باستان. جلد دوم. تهران: سمت.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۷۷). ظفرنامه (به انضمام شاهنامه). چاپ عکسی از روی نسخه مورخ ۸۰۷ هجری در کتابخانه بریتانیا. زیر نظر نصرالله پورجوادی و نصرت‌الله رستگار. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- یاحقی، محمدجعفر (زیر نظر) (۱۳۷۲). فرهنگنامه قرآنی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- SOUCEK, Priscilla P. & Filiz ÇAĞMAN (1995). "A Royal Manuscript and its Transformation: The Life History of a Book". In: *The Book in the Islamic World: The Written Word and Communication in the Middle East*. ed. George N. Atiyeh. New York: SUNY Press. Pp. 179-208.
- کاشی شماره OA ۶۳۱۹ موزه لوور، قابل مشاهده در: [http://cartelfr.louvre.fr/cartelfr/visite?srv=obj\\_view\\_obj&objet=cartel\\_34611\\_73890\\_HD110034.jpg\\_obj.html&flag=false](http://cartelfr.louvre.fr/cartelfr/visite?srv=obj_view_obj&objet=cartel_34611_73890_HD110034.jpg_obj.html&flag=false)
- کاشی شماره ۴، ۱۱۱۰، ۱۹۴۷ موزه بریتانیا، قابل مشاهده در: [http://www.britishmuseum.org/research/collection\\_online/collection\\_object\\_details.aspx?assetId=724815001&objectId=237159&partId=1](http://www.britishmuseum.org/research/collection_online/collection_object_details.aspx?assetId=724815001&objectId=237159&partId=1)
- وبگاه «سخن»: نوشته‌های ابوالفضل خطیبی در زمینه شاهنامه‌شناسی و ایران‌شناسی: <http://a-khatibi.blogspot.nl/2015/08/blog-post.html>
- وبگاه «حاصل اوقات: پراکنده‌های ایران‌شناسی»: <http://haseleowghat.blogfa.com/post/37>
- درباره کهن‌ترین دستنویس کامل شاهنامه (۶۷۵ ه.ق.). نشر دانش، ش ۱۰۹ (پاییز): ۱۸-۲۶.
- (۱۳۹۵). «دشوارترین بیت شاهنامه». در: پیر گلرنگ، یادنامه استاد فقید دکتر رشید عیوضی. به‌خواستاری رحمان مشتاق‌مهر و احمد گلی. قم: ادبیات. ص ۵۳۵-۵۴۵.
- روحفر، زهره (۱۳۸۱). تجلی شاهنامه در هنر اسلامی ایران. تهران: موزه ملی ایران.
- علی بن احمد (۱۳۷۹). اختیارات شاهنامه. به تصحیح مصطفی جیحونی و محمد فشارکی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۹۶۰-۱۹۷۱ م). شاهنامه. تحت نظری آ. برتلس و دیگران. مسکو: اداره انتشارات ادبیات خاور.
- (۱۳۶۹). شاهنامه. چاپ عکسی از روی نسخه کتابخانه ملی فلورانس، مورخ ۶۱۴ق. تهران: مرکز انتشار نسخ خطی- دانشگاه تهران.
- (۱۳۷۹). شاهنامه فردوسی همراه با خمسة نظامی. با مقدمه فتح‌الله مجتبائی. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- (۱۳۸۰). شاهنامه از دست‌نویس موزه فلورانس. به تصحیح عزیزالله جوینی. تهران: دانشگاه تهران.
- (۱۳۸۴). شاهنامه فردوسی. چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه بریتانیا، مشهور به شاهنامه لندن. به کوشش ایرج افشار، محمود امیدسالار. تهران: طلایه.
- (۱۳۸۶). شاهنامه. به کوشش جلال خالقی مطلق ۶ با همکاری محمود امیدسالار، جلد ۷ با همکاری ابوالفضل خطیبی). تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- (۱۳۸۹). شاهنامه. نسخه برگردان از روی نسخه کتابت او اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم هجری قمری (کتابخانه شرقی، وابسته به دانشگاه سن ژوزف بیروت). به کوشش ایرج افشار، محمود امیدسالار، نادر مطلبی کاشانی. با مقدمه جلال خالقی مطلق. تهران: طلایه.
- (۱۳۹۳). داستان رستم و سهراب. پیشگفتار، پیرایش و گزارش جلال خالقی مطلق. به کوشش محمد افشین‌وفایی و پژمان فیروزبخش. تهران: سخن.
- شاهنامه. دستنویس شماره 2113 Pers. کتابخانه ملی فرانسه، پاریس. کتابت ۹۷۴ق: <https://gallica.bnf.fr/ark:/12148/btv1b8427205j/f206.item>
- شاهنامه. دستنویس شماره 8 cod.pers مونیخ. مورخ ۹۰۲ق: <https://bildsuche.digitale-sammlungen.de/index.html?c=viewer&bandnummer=bsb00048401&pim->